

کتاب‌های پیشنهادی

حاشیه‌های بر انتشار یک اثر جدید درباره تیمور بختیار

روایت یک «عصیان»

■ **مهرداد قنبری سردار اکبری**



چیزی اگر توکراسی کانونی در ساز نهاد هرمی حاکم تکنیک متناقض قوا در حوزه امنیتی امری محسوس بود. در حالی که نمایندگان منافع لایحه تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت در مجلس سنا اظهار می کردند شان تأسیس این نهاد در راستای تجمع از گان‌های متفرق سیاسی –اطلاعاتی تحت لوای تشکیلاتی واحد است، تصویب طرح مزبور بر پایه سیاست گذاری سزاستی قائم به پرنسذ کار کردی مورد نظر منجر نشده و در سازمان مستقلی موسوم به کوک به دستور پهلوی در موازات ساواک راه‌اندازی شد که در کنار شعبه کاراگاهی شهرنایی با وظایفی مشابه و متداخل عملاً در تقابل با نهاد یادشده واقع شد، امتیزه ساختن مدیریت امنیتی مبتنی بر شیوه فرینه‌سازی در این برهه رویه مشابه پهلوی اول در تقسیم لشکر کم مرکز به دو بخش دارای فرماندهی مجزا را دایر بر رهابرد تعارض فی مابین به یاد می‌ورد، چندان که عدم تمرکزگرایی نظام چندقطبی پلیسی، استخباری ناظر بر حوزه قلمرو کاربرد دکتربن آیزنهاور که شیوع کودتاهای نظامی از مختصات اجتناب‌ناپذیر آن بود، به تفریق نهادی یگان‌هایی نظیر ژاندارمری، لشکر گارد جاویدان و گاهی فرمانداری نظامی از شهرنایی وار تش در چرخه دوم سازمان‌بندی نوزدهای مسلسل نیز انجامید که در امتداد استراتژی موازنه هم‌پوشانی خشتی ساز محقق شد. انشعاب از آن قدرت پر برهنه منتهی به تمرکزگرایی حاکمیت مطلقه انحصاری در جوار انتصاب مدیران ضعیف و دچار خلأ تفکر بر اکثریت و از سوی دیگر فرار دادن اقلیت لیت (elite) با یافته فائق کسراسر اتیمس یا کسراسواتیمس عرصه بازی تنازع بقای سیاسی که در جهت مهار مثنی



۳ **تیمور بختیار در گفت‌وگو با نعمت‌الله نصیری در حاشیه یکی از مهمانی‌های دربار**

اپوزیونیستیک نظامی در هنگام بروز بحران توسعه سیاسی معکوس بر آمده از اتمسفر بسته صورت یافته و در ماهه آن در برگیرنده چیمدانی سولوی در گستره بلوک‌بندی نهادی سازمان‌های ناقص الاستقلال، ناپیوسته، مکمل وبسته به حساسیت و نقش پیش‌بینی شده آنها در مورد هر محبت حاکمیت بود. در حوزه توزیع وظایف متضاد با یکدیگر جلوه می‌کردند که نظر به غلبه استاکر میکینزیو به‌نظام بود، الگوی همچنانی قابل واقع جبری و روح دیدگاه عام انتقال خونین قدرت به عنوان تنها مجرای ضروری برون‌رفت از محوریت ارتجاعی سیمای شخصی‌سازی هم‌زمنی به‌ازای آن نثوری تاریخ انتقادی رحال که به‌طور اخص قائم بر بنیاد رویکرد برآمده از مکتب حکومت‌گری پهلوی دوم در رویارویی با دولتمردانی همچون قوام، مصدق و امینی با نفع‌طلبانی از قبیل زاهدی، قرنی، هدایت و بختیار به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده بنده نظام بود، الگوی همچنانی قابل واقع شد. در ازای سلطنت ۲۷ساله مشارالیه پس از حوادث منجر به انقلاب سال ۱۳۵۷ و روند تمامیت‌طلبی زاهدی دولت پیشرویی نهضت ملی‌سازی صنعت نفت بر زیرگترین خطر تهدیدکننده ثبات انثوریته مشروع رژیم شاهنشاهی، زنجیره عملیات مخرب از ژیتاسیون تیمور بختیار بود که بر خلاف دو چالش فوق سرکنشی سیاسی یادشده با دوره اقتدار گرای ا گانیسک این حکومت یکدست‌ساز است، مقارن و فرجام‌گذار آن از نیز با

رهاوردی متفاوت همراه بود و در این دامنه پردازش به فرآیند بازی اطلاعاتی ساواک با بنیاد گزارش محتوای مدارا اثر حاضر را تشکیل داده و مواجبه با چهره‌های حائز دو پرونده متغایر سیاسیسی نظر به کاستیهای پژوهشی در بازنمای این بخش از جوانب جغرافیایی سیاسی تاریخ معاصر با دست‌اندازهایی فراینده در وادی مصادر در تصادم بوده است. صاحب این تحقیق که از سال ۱۳۸۲ تهیه تکوینی آن را به عهده داشته است در بازنگاری منبعث از رویت تحلیلی ضمن تلاش برای اعمال ایجاد در جهت حفظ جامعیت شمول در محدوده امکان فرازهای عمده محورهای بحث مندرج در پیوند با مقولاتی نظیر فروپاشی رژیم حکومت‌مداری ایل سالاران، بروسه براننازی دولت ملی در سال ۱۳۳۲، طغیان‌های قومی در آستانه تثبیت استیلای حکومت مرکزی، پیامدهای سیاسی- اجتماعی انقلاب سفید، منازعات ژنوپلیتیک ایران و کشورهای عضو اتحادیه عرب در اثنای دهه‌های ۵۰ تا ۷۰میلادی را نیز در قلمرو مستندات از منظر هرمنیوسی سیاسی غیر تئوریک پیرامون گفتار کانونی که با رویکرد غیر بیوگرافیک صرف توأماً است، در یوته بررسی قرار داده است.

تاریخ

کفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۷۹



«**روایت‌ها و تحلیل‌هایی از وقایع دوران اوج‌گیری انقلاب اسلامی**» در گفت و شنود با زنده یاد دکتر علی شیربعتمداری

انقلاب با حفظ هویت دینی هر بحرانی را پشت سر می‌گذارد

■ **محمد رضا کاتینی**

این سال تلخ، بیشتر وقت این قلم را به مرثیه‌سرایی برای یاران و پیشگامان فکری و مبارزاتی انقلاب زد. آخرین بهانه این واگو به‌های سوگمند، رحلت دانشمند ارجمند و گر انما به، زنده یاد دکتر علی شیربعتمداری بود. او از تدارک گمران نظری اندیشه انقلاب در دوران غربت آن بود و هم در آن دوره و پس از آن، در سپهر فرهنگ و سیاست نظام اسلامی، نقشی نمایان ایفا کرد. ا یکتد در تکریم یاد و خاطره آن بزرگوار، گفت‌وشنود ذیل را که شامل پاره‌ای از خاطرات و تحلیل‌های وی از دوران اوج‌گیری و پس از پیروزی انقلاب است به خوانندگان ارجمند صفحه تاریخ تقدیم می‌دارم و بر روی بوند این دانشی مرد والاقدرد، علو مقام مستنلت دارم.

نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد. **حضر تعالی به عنوان یکی از چهره‌های شاخص دانشگاه انقلاب، قلعا درباره روزهای منتهی به پیروزی انقلاب خاطرات جالبی دارد که شنیدن آنها از زبان شما شنیدنی است.**

بسم الله الرحمن الرحیم، بنده در اصفهان برای سخنرانی به مجالس گوناگون دعوت می‌شدم و مردم را به شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها دعوت می‌کردم. یادم هست آن روزهایی که بختیار ادعاهای عجیب و غریب می‌کرد، در حضور جمع زیادی از حزب در مردم اصفهان پیام‌آورا خواندم و با دله قانونی همه آن را رد کردم!

در روز ورود حضرت امام در اصفهان بودند؟

خیر، به تهران آمدم و روزی که حضرت امام تشریف آوردند، همراه با مقام معظم رهبری، شهید بهشتی و مرحوم فلسفی به فرودگاه رفتم. در آنجا شهید بهشتی مرا به ایست‌الله خامنه‌ای معرفی کردند. امام تشریف آوردند و آن سخنرانی ابتدایی را ایراد فرمودند و آن استقبال بی‌سابقه و شگفت‌انگیز تاریخی رقم خورد. جمعیت به‌قدری زیاد بود که از فرودگاه تا میدان انقلاب، ساعت‌ها طول می‌کشید تا برسید. بنده در این سفر، در دانشگاه الزهرا و دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران سخنرانی‌هایی را ایراد کردم و سپس به اصفهان برگشتم. یکی دو روز پس از پیروزی انقلاب، در دانشگاه اصفهان مشغول سخنرانی بودم که خبر اعدام نصیری و چند تن از امرای ارتش را به من دادند و آن را پشت تریبون اعلام کردم. شور و شعف مردم از به مجازات رسیدن عمال رژیم ستمشاهی وصف‌ناشدنی بود.

جنابعالی به عنوان وزیر علوم و آموزش عالی توسط مهندس بازرگان دعوت به همکاری

شدید. از آن ایام برایمان بگویید.

بعد از تشکیل کابینه دولت موقت، این مسئولیت به عهده بنده قرار گرفت. در آن ایام بیش از ۱۲۰ دانشگاه و مؤسسه مستقل تحت پوشش وزارت آموزش عالی بودند که اغلب رؤسایشان فرار کرده بودند و تعیین جانشین برای آنان کار بسیار دشواری بود، اما با کمک اساتید و دانشجویان مسلمان، برای همه آنها سرپرست‌هایی تعیین کردیم و خوشبختانه کارها به‌تدریج سرر و سامان گرفتند. چند مؤسسه آموزش عالی و بنیاد را هم با وزارت فرهنگ و هنر ادغام کردیم. پس از آن همراه با سرپرست‌های جدید دانشگاه‌ها، در قم خدمت حضرت امام مشرف شدیم و بنده ضمن معرفی سرپرست‌ها کتاب «وشنگفر کیست؟» خود را حضور امام تقدیم کردم. حضرت امام درباره خط مشی‌ای که دانشگاه‌ها باید در پیش بگیرند، نکاتی را متذکر شدند و در پی فرمان ایشان، دانشگاه‌ها را بازگشایی کردیم. نخستین اقدامی که باید صورت می‌گرفت، سر و سامان دادن به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بود. به همین دلیل ضمن ادغام برخی از این مؤسسات در یکدیگر، سعی شد با تشکیل گروه‌هایی از دانشگهایان برای تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی و ایجاد هماهنگی بین دانشگاه‌ها، اقداماتی به عمل آوریم.

وضعیت در وزارت فرهنگ و هنر هم بسیار آشفته بود و لذا به پیشنهاد برخی از دوستان همفکر، قرار شد با تشریک مساعی شهید دکتر مفتح، در وزارت علوم سمیناری تشکیل و خط مشی قابل قبولی برای این وزار تخانه مشخص شود. بحث‌های مختلفی مطرح شدند، اما متأسفانه همگان بر سر تصویب یک قطعنامه واحد به توافق نرسیدند. بنده تلاش کردم مسئولیت وزارت فرهنگ و هنر را به فردی آشنا به امور فرهنگی و هنری و در عین حال مسلمان و متعهد بسیار م و خوشبختانه دکتر پر کشلی که هم استاد فیزیک و هم موسیقیدانی مرا به ایست‌الله خامنه‌ای معرفی کردند. امام تشریف آوردند و آن سخنرانی ابتدایی را ایراد فرمودند و آن استقبال بی‌سابقه و شگفت‌انگیز تاریخی رقم خورد. جمعیت به‌قدری زیاد بود که از فرودگاه تا میدان انقلاب، ساعت‌ها طول می‌کشید تا برسید. بنده در این سفر، در دانشگاه الزهرا و دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران سخنرانی‌هایی را ایراد کردم و سپس به اصفهان برگشتم. یکی دو روز پس از پیروزی انقلاب، در دانشگاه اصفهان مشغول سخنرانی بودم که خبر اعدام نصیری و چند تن از امرای ارتش را به من دادند و آن را پشت تریبون اعلام کردم. شور و شعف مردم از به مجازات رسیدن عمال رژیم ستمشاهی وصف‌ناشدنی بود.

در چندسال اول پیروزی انقلاب احزاب گوناگون، به‌ویژه حزب توده که در زمینه تألیف و نیز هنر، به‌خصوص هنر تئاتر سابقه طولانی داشت، به‌اتحای مختلف در این زمینه کارشکنی می‌کردند. آیا با شما هم بر خوردی داشتند؟

بله، در اوایل سال ۱۳۵۸ چند تن از سران حزب توده به وزارت فرهنگ و هنر آمدند و هشدار دادند. تکند جمهوری اسلامی هنر را محدود کند! بنده گفتم: چطور

موقعی که مارکسیسم هر ایده‌ای غیر از خودش را انکار و همه را مجبور کرد در محدوده خاصی فکر کنند، نگران نشدید؟ آن زمان که با انتشار جزوه‌های بی‌اعتباری چون اصول مدماتی فلسفه پوپلتر بسی می‌کردید اذهان جوانان را منحرف کنید، چطور نگران تفکر و هنر نبودید؟ مطمئن باشید اسلام با هنر اصیل و واقعی هیچ مخالفتی ندارد.

حضر تعالی یکی از کسانی بودید که در تشکیل حزب «جاما» مشارکت داشتید. از روند تشکیل این حزب و علل جدایی خود از آن توضیح یفرمایید.

بنده از سال ۱۳۳۹ با مرحوم دکتر سامی سابقه دوستی داشتم. هنگامی که همراه با مرحوم محمدنخب و چند تن دیگر هیئت اجرایی حزب را تشکیل دادیم، بر محوم دکتر سامی در سال آخر دبیرستان بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، احزاب و سازمان‌ها تشکل سازمانی خود را از دست دادند و حتی جبهه ملی هم ناچار شد فعالیت‌های خود را تعطیل کند. بعد از پیروزی انقلاب فرصتی پیش آمد تا احزاب سابق بار دیگر فعالیت خود را آغاز کنند و برخی به گروهک‌ها نزدیک شدند. بنده در اوایل سال ۱۳۵۸ به دوستان اعلام کردم که بنده در گروهک‌ها در خط انقلاب و مورد اعتماد مردم نیستم. این موضوع سبب شد از حزب جاما کناره بگیرم.

پس از آنکه ماهیت واقعی منافقین آشکار شد و جنبه‌های آن برای برخی موضع‌گیری کردید. دلایل شما برای این کار چه بود؟ چگونه تشخیص دادید آنها در خط انقلاب نیستند؟

اولین دلیل بنده این بود که فراندوم رأی‌گیری برای قانون اساسی را تحریم کردند، در حالی که در آن شرایط بحرانی تأیید قانون اساسی ضرورت عاجل جامعه بود، چون قانون اساسی هر کشوری رکن اصلی آن است و مخالفت با برخی از مواد آن بنیاد دلیلی بر معطل گذاشتن قانون اساسی که همه چیز منوط به آن است نبود.

دومین دلیل من زیر سؤال بردن حضرت امام بود. یک روز از یکی از سران آنها پرسیدم: «شما با چه صلاحیت و سابقه‌ای رهبر انقلاب را از سر سؤال می‌برید؟ اطاعت از ایشان بر همه ما واجب است». خاطر من هست پس از جامعه ۷ نفر هم، در دانشگاه تهران جلسهای تشکیل شد و بنده در آن جلسه این ترور ناخوارانه را محکوم کردم و گفتم: فدائیان اسلام با ترور هژبر و زرم‌آرد واقع راه را برای انتخاب دکتر مصدق و یاران او به مجلس شائزدهم و ملی‌شنن صنعت نفت باز کردند ولی ترور دکتر بهشتی و یاران او نه تنها راهی را بر شما نگشود که خون این مبارزان و بزرگان دلمان شما را خواهد گرفت و نهضت اسلامی نیز

دید

انقلاب ما یک انقلاب دینی و معنوی و ملهم از تعالیم اسلامی است و لذا برای حفظ آن نیز، باید روی این ویژگی انقلاب تکیه شود. اگر مردم همچنان به انقلاب و آرمان‌های آن وفادار بمانند، برای حفظ دستاوردهای انقلاب، از هیچ فداکاری و تلاشی فروگذار نخواهند کرد. با حفظ هویت دینی و اعتقادی انقلاب، هر بحرانی را می‌توان پشت سر گذاشت

با قدرت بیشتری به راه خود ادامه خواهد داد.

پس از کناره‌گیری از دولت موقت چه مسئولیت‌هایی را به عهده گرفتید؟

در دانشگاه تربیت معلم مشغول تدریس شدم و هنگامی که در سال ۱۳۵۹ سناد انقلاب فرهنگی تشکیل شد، به امر حضرت امام در آن ستاد و سپس در شورای عالی انقلاب فرهنگی به خدمت مشغول شدم و تا جایی که در توان داشتم به کارهای علمی و فرهنگی ادامه دادم. با فرهنگستان علوم و چند نهاد دیگری نیز همکاری کردم.

مقداری هم به تحلیل‌های جنابعالی از عوامل تداوم انقلاب بپردازیم. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی، مردمی بودن آن است. به نظر حضر تعالی چگونه می‌توان این ویژگی را حفظ کرد؟

به نظر بنده این ویژگی، بیش از هر چیزی به اعتقاد مردم به حضرت امام به عنوان مرجع دینی مربوط می‌شد. مردم حقیقتاً اعتقاد راسخی به حضرت امام داشتند و بدون لحظه‌ای تأمل به توصیه‌های ایشان عمل می‌کردند، به همین دلیل هم به محض اینکه رژیم پهلوی اندکی دچار تزلزل شد، به اشاره حضرت امام تظاهرات میلیونی شروع شد. مردم واقعاً با اعتقاد قلبی با حضرت امام و انقلاب همراه شدند و حرکت آنها ناشی از باورهای دینی‌شان بود. انقلاب ما یک انقلاب دینی و معنوی و ملهم از تعالیم اسلامی است و لذا برای حفظ آن نیز، باید روی این ویژگی انقلاب تکیه شود. اگر مردم همچنان به انقلاب و آرمان‌های آن وفادار بمانند، برای حفظ دستاوردهای انقلاب، از هیچ فداکاری و تلاشی فروگذار نخواهند کرد. با حفظ هویت دینی و اعتقادی انقلاب، هر بحرانی را می‌توان پشت سر گذاشت.

به نظر شما مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی چیست؟ و البته آسیب یا آسیب‌هایی که دستاورد شما را چه مواردی می‌داند؟

مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی، احیای اسلام و خوشبختانه انقلاب اسلامی در برهه‌ای اتفاق افتاد که بخش قابل توجهی از دنیا هم از کمونیسم و هم از نظام سرمایه‌داری مایوس شده بود و به دنبال راه سومی می‌گشتند. این شرایط تاریخی خاص، ویژگی بسیار برجسته‌ای را در انقلاب اسلامی داد و اسلام را احیا کرد. از دیگر دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی، کندن ریشه جریان چپ و به‌خصوص حزب توده از ایران بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ واخراج رزخان از ایران و خاتمه جنگ جهانی دوم، احزاب گوناگونی در ایران یا گرفتند که از همه گسترده‌تر و بانفوذتر، حزب توده بود. این حزب با پشتیبانی قوی شوروی و استفاده از آموزه‌های تشکیلاتی حزب کمونیست شوروی، توانست با کمک کاردرهای قوی، تا قاصی نقاط کشور و در بین تمام طبقات اجتماعی نفوذ کند و به‌سرت دامنه فعالیت‌های خود را گسترش بدهد. حزب توده با طرح شعارهای جذابی چون رهایی زحمتکشان، مبارزه با استعمار و امپریالیسم و… توانست در ظرف مدت کوتاهی، گروه زیادی از افراد تحصیل‌کرده و کارگران را جذب کند و تبدیل به حزبی فراگیر و قوی‌بیش شود. سایر احزاب، از جمله احزاب اسلامی به هیچ‌وجه از نظر تکنیکالی و تدوین ایدئولوژی و به‌ویژه بیان آن به زبان روز، قدرت و توانایی حزب توده را نداشتند و قادر نبودند مثل این حزب در بین مردم رسوخ کنند. جالب اینجاست که این حزب دائماً شعار مبارزه با استعمار و امپریالیسم را می‌داد، ولی در عمل نه‌تنها کاری نمی‌کرد، بلکه در واقع جاده‌صاف‌کن شوروی در ایران بود. انقلاب اسلامی از این نظر که هم‌زمان علیه نظام سرمایه‌داری و در رأس آن امریکا و نظام کمونیستی موضع‌گیری کرد، انقلاب منحصر به فردی است. حضرت امام با طرح شعار «نه شرقی، نه غربی» در واقع تکلیف همه جهانخواهران غرب و شرق را تعیین کردند و به سلطه طولانی امپریالیسم

شرق و غرب در ایران خاتمه دادند. انقلاب اسلامی با الهام از اندیشه‌های اسلامی، به مردم ما ثابت کرد که می‌توانند تحت رهبری روحانیت پس از سال‌های طولانی تحقیر و نفوذ روسیه، انگلیس و امریکای‌روی خود بایستند و سرنواشتان را در دست بگیرند. عزم راسخ مردم در پیروی از آموزه‌های اسلامی و قربانی، به‌خوبی در رأی بسالای ۹۸ درصد مردم به نظام جمهوری اسلامی مشاهده شد. در هیچ یک از انقلاب‌های دنیا سابقه نداشته است که رهبران انقلاب ظرف چنین مدت کوتاهی، رژیم جدید را آن هم با چنین رأی بالایی تثبیت کنند. این نتیجه شگفت‌انگیز همه مخالفان، از جمله حزب توده، منافقین، سلطنت‌طلبان، ملی‌گراها و دیگر معاندین را متوجه کرد که دیگر جایی در بین مردم ندارد، از همین رو برخی از آنها به مخالفت علنی با نظام جدید پرداختند و حتی کار را به رویارویی مسلحانه

۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۵۰۱۴

کشاندد. نظام اسلامی توانست نظام سلطنتی را- که بیش از ۲۵ قرن تسمه از کرده مردم کشیده بود- یکسره ریشه کن سازد. نظام خانی از بین رفت و حتی سران عشایر هم متوجه شدند اسلام پایه معنوی حیات جامعه ایران است و می‌تواند قشر محروم را از فلاکت و سلطه خان‌ها و ارباب‌زاده‌ها برهاند.

به نظر شما آثار بین‌المللی انقلاب اسلامی چیست؟ انقلاب از این جنبه تا چه حد توانسته عمق استراتژیک خود را در دنیای پیرامون خود توسعه دهد؟

مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سطح جهانی این است که ملت‌های مظلوم و تحت ستم در یافتند می‌توانند بدون اتکا به یکی از دو ابرقدرت دنیا، با توکل و ایمان به خدا روی پای خود بایستند و این پدیده تازه‌ای بود، زیرا تا زمان وقوع انقلاب اسلامی، هیچ‌یک از حرکت‌های آزادی‌بخش دنیا، بدون اتکا به شوروی یا امریکا محقق نشده بودند. طبقه محروم در سراسر دنیا احساس کرد که به رسمیت شناخته شده و این نیز از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی است.

دیگر دستاورد مهم انقلاب اسلامی طرح تفکر اسلام انقلابی در برابر نظام کمونیستی، نظام سرمایه‌داری و دموکراسی غربی بود. با وقوع انقلاب اسلامی، اسلام به عنوان نظامی که برای تمام ابعاد زندگی بشر اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فکری، تربیتی، فرهنگی و… در حرف‌های مهمی برای گفتن دارد، بار دیگر احیا شد. در پی انقلاب اسلامی، کشورهای اسلامی به آگاهی بیشتری نسبت به قدرت اسلام دست یافتند که بخشی از آن در موج بیداری اسلامی تجلی کرد.

نقش زنان را در تحقق و تداوم انقلاب اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ انقلاب ایران تا چه حد توانست کلیشه متعارف زن غربی را به چالش بکشد؟

بی‌تردید زنان مسلمان ایران در شکل‌گیری، تحقق و تداوم انقلاب، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای داشتند و حضور آنها در تظاهرات و راهپیمایی‌ها، فوق‌العاده تأثیرگذار بود. تا قبل از پیروزی انقلاب، زن به عنوان وسیله‌ای برای تبلیغ کالاهای مصرفی دیده می‌شد. انقلاب اسلامی به زن ایرانی جایگاهی را که شایسته آن بود بخشید، بدان گونه که حضرت امام فرمودند: مرد از دامان زن سه معراج می‌رسد: زن در نظام اسلامی برای تحصیل و اشتغال با مردان مساوی است. بالا بودن آمار زنان تحصیل‌کرده دانشگاهی، یکی از شاخص‌های ارزش‌گذاری به قدر و منزلت زن، ایرانی است. زنان ایران در مجامع مختلف بین‌المللی قدرت علمی و فکری خود را به اثبات رساندند.

جنابعالی همواره به عنوان یک چهره شاخص فرهنگی مطرح بوده‌اید. به نظر شما پدیده تهاجم فرهنگی در کشور ما، تاکنون چند پوسته عوض کرده و راهکار به‌روز و مقابله با آن چیست؟

استکبار جهانی برای به‌زانو در آوردن انقلاب اسلامی، از تمام حربه‌های خود، از جمله ترور، جنگ، تحریم و… استفاده کرده، اما به اهداف خود نرسیده است. لذا برای مقصود از پیشرفت‌ترین ابزارهای تکنولوژیک از نظام خانواده، زیر سؤال بردن ارزش‌های دینی و فرهنگی و رواج بی‌بند و باری، به آن ضره بزند و برای این مقصود از پیشرفت‌ترین ابزارهای تکنولوژیک از قبیل اینترنت و ماهواره استفاده می‌کند. راه مقابله با تهاجم فرهنگی، تقویت ارزش‌های معنوی و اسلامی است. اگر نسل جوان ما به ارزش‌های اسلامی بی‌بردد و آن‌ها را در زندگی به کار نگیرد، هیچ فرهنگی نمی‌تواند به حیطه ارزش‌های او وارد شود. اگر اهداف و آرمان‌های اسلامی را در تمام زمینه‌های فکری خود رسوخ دهیم، می‌توانیم با سرفرازی از این میدان مبارزه بیرون بیایم.

از منظر شما و به عنوان یکی از متولیان فرهنگی نظام اسلامی، عملکرد مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی در ادوار مختلف آن، چه منحنی‌ای را نشان می‌دهد؟

من ترجیح می‌دهم به این سؤال، به شکل خرد و نه کلان جواب بدهم. در واقع به ایسن پدیده نگاه آسیب‌شناسانه دارم. واقعیت این است که برخی رفتار اسلامی و درستی با اقصار جامعه نداشتند و بعضی از آنان هم بدون بهر‌مندی از تخصص، به سازمان‌های مربوطه و افراد دیگر خسارت‌های جبران‌ناپذیری زده‌اند. اشکال عمده دیگر این بود که در برخی از زمینه‌ها برخلاف دستورات صریح قرآن و ائمه معصومین(ع)، به شیوه عقلایی عمل نکردیم و نمی‌کنیم و از این جنبه خدمات جبران‌ناپذیری به جامعه وارد می‌سازیم. رسانه‌های گروهی ما وظیفه خود را برای تبیین آرمان‌ها و اهداف اسلامی به‌درستی انجام ندادند و لذا تربیت جامع و کامل اسلامی بر جامعه ما حاکم نشد.

در پایان این گفت‌وگو، باز به خاطرات شما بازمی‌گردیم. به شش‌مربن ترین خاطراتی که در جریان مبارزات داشتید، اشاره بفرمایید.

من دو بار، عمیقاً و تا حد خوشحال شدم! یک بار موقعی بود که شنیدم شهید خلیل طهماسبی عامل انگلیس، سپهبد رزم‌آرا را ترور کرده است. بار دوم موقع شکست کودتای ۲۵ مرداد سال ۱۳۳۲ بود که شاه مجبور شد فرار کند و تصور می‌کردم بساط رژیم شاهنشاهی را کشور برچیده شده‌است، اما متأسفانه این خوشحالی دیری نپایید و سه روز بعد شش‌با کودتای امریکایی بر گشت. سومین بار هم پیروزی انقلاب اسلامی بود. خوشحال بودم که به عنوان یک عضو کوچک فرهنگی در این انقلاب عظیم شریک بوده‌ام.

^[1] ۱۳۵۸ هم، دکتر علی شیربعتمداری در همواره با من گفت‌وگو کرد